



اگر
پزشکیان
نبود



برند کلی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویرانه نامه

و تضعیف انسجام ملی مد نظر تجاوزگران است. بنا به مطالعات تطبیقی که در سه مقطع پیش از جنگ، حین جنگ و پس از آن انجام گرفته است، در مواجهه با این وضعیت جنگی، جامعه با افزایش همبستگی‌های مدنی، حس تعلق و افتخار به ایران و رضایت و حمایت بیشتر از دولت و سازمان نظامی کشور روبه‌رو شده است. پدیده سیالی که می‌توانست با برخورد اصلاح‌گرا نه در همین وضعیت خطیر و پیچیده به ملاط جدید بنای «مای ایرانی» تبدیل شود. در خلال مقاومت میهنی یک سوم از بخش مایوس و ناراضی جامعه کاسته شد؛ با گام بر داشتن نظام حکمروایی در مسیر اصلاحات مشهود و مؤثر، این واکنش معنادار و سیال میهنی می‌تواند به سوی تثبیت و نهادمندی برود. ضرورت پایدار کردن این همبستگی و برجسته کردن معنا و ارزش تاریخی مفهوم ایران، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی در برابر جنگ بود که در عین حال آشکارکرد اصلاح رویکردها و رویه‌های غلط امری ضروری است، امری که تحقق آن نیاز به فوریت هم دارد تا بتواند در بحران‌ها و تنگناهای پیش رو، رضایت و اعتماد و همبستگی و سرمایه اجتماعی را ترمیم و تقویت کند، پزشکیان نشان داد که به این ضرورت واقف و در قبال آن متعهد است و می‌خواهد دولت با جلب هماهنگی و همکاری سایر نهادهای حکومتی به آن سو پیش برود. اگر پزشکیان نیامده بود، مدیریت چنین بحران‌هایی محدود به جوه سخت‌افزاری می‌شد و جامعه را در برابر انبوه روایت‌ها و رویکردهای متناقض و قطبی، ناتوان‌تر می‌کرد.

● بخش پنجم: وضعیت کنونی و امکان تحقق وعده‌ها

امروز، کشور در وضعیتی دشوار و پیچیده قرار دارد که دولت باید و می‌تواند با اعتماد و اتکای به مردم و جامعه مدنی و بخش‌های خصوصی و غیردولتی و تغییر رویکردها و روندهای فرساینده گذشته آن را به فرصتی جدید تبدیل کند. برخی مؤلفه‌های این وضعیت عبارتند از:

● اینکه بحران اقتصادی و معیشتی همچنان پابرجاست و ناترازی‌های مالی و ارزی آثار خود را بر زندگی روزمره و اشتغال و آموزش و سلامت شهروندان و فعالیت نهادهای تولیدی و صنعتی و اجتماعی و فرهنگی و علمی به وضوح نشان می‌دهد؛

● اینکه سرمایه اجتماعی هنوز ترمیم نشده و دستاوردهای همبستگی مدنی با مقاومت نهادی و ساختاری جریان سیاسی مخالف دولت و تلاش به بازگرداندن رویه‌های سیاسی و اجرایی به تنظیمات گذشته، وضع شکننده‌ای پیدا کرده است.

● اینکه تهدیدهای سیاسی و نظامی و غلبه فضای جنگی در سطوح ملی و منطقه‌ای و جهانی همچنان بر افکار عمومی و حوزه عمومی سایه افکنده است، ● اینکه با ضعف نظام ارتباطی و رسانه‌ای دولت، ملی نشدن سیاست حاکم بر رسانه، ادامه سیاست فیلترینگ و غفلت از ظرفیت نهادهای مدنی در بالا بردن «توانش ارتباطی جامعه»، همچنان «ناترازی ارتباطی میان افکار عمومی و بخش حکمرانی» باقی مانده است.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که پزشکیان چگونه می‌تواند به وعده‌های خود عمل کند؟ پاسخ ساده‌ای در برابر این سؤال وجود ندارد. تحقق

وعده‌ها تنها با تکیه بر دولت ممکن نیست. او نیازمند حمایت و همکاری همه ارکان نظام، انسجام درونی دولت، ارتباطات فعال و دوسویه با نهادهای مدنی و حرفه‌ای، جریان‌های سیاسی، نظام نخبگانی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و شخصیت‌های ملی است. اگر این همیاری و گفت‌وگو شکل نگیرد و یا به الزامات آن توجه نشود، وعده‌ها در حد شعار و آرزو باقی می‌ماند.

اگر پزشکیان نیامده بود شاید اصرار بر تعهد به شعارهایی چون استفاده از ظرفیت‌های قومی و منطقه‌ای و اولویت‌های همسایگی در توسعه و جلب رضایت طبقات محروم و نابرخوردار در التزام به عدالت در همین حد پیش نمی‌رفت.

● بخش ششم: رفتار و گفتار پزشک‌پژشکیان

رفتار صادقانه و گفتار صریح پزشکیان در مواجهه با مسائل پیش روی کشور از جمله تمایزهای دولت اوست، اگرچه در همین حد هم هنوز فراگیر نشده است، این گفتار بر چند ستون اصلی استوار است:

گفت‌وگو محور: او بر این باور است که گفت‌وگو هم مسأله است و هم راه حل.

نقد وضعیت بدون دشمن‌سازی: به جای آنکه گروهی را مقصر بداند، بر توصیف و تبیین روندهای منجر به خطا تأکید می‌کند.

اعتماد و شفافیت: پزشکیان با زبان ساده و صریح سخن می‌گوید و محدودیت‌ها را پنهان نمی‌کند.

اصلاحات تدریجی: تغییر دفعی را ناممکن می‌داند و به گام‌های کوچک اما مداوم باور دارد.

رویکرد اجتماعی به سیاست: برای او، سیاست نه فقط قدرت‌ورزی، بلکه بازسازی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی است.

این گفتار، در فضای سیاسی امروز ایران، یک تغییر رویکرد به شمار می‌رود؛ تغییری که اگرچه همه‌جانبه نیست، اما روشی متفاوت است.

● سخن پایانی:

آمدن و انتخاب پزشکیان در این مقطع تاریخی پدیده‌ای معنا دار در میدان سیاست بود. اگر او نیامده بود، جامعه ایران با مسائل و چالش‌های فراگیرتر و عمیق‌تری از امروز مواجه می‌شد. آمدن او به معنای حل همه مشکلات با عبور از همه مخاطرات نبود و نیست، اما به معنای باز شدن پنجره‌ای برای کم کردن تهدیدها و دیدن بهتر دور و نزدیک کشور و ضرورت‌های تحول و تغییر در جامعه‌ای متکثر شده و متفاوت با گذشته بود و هست.

مسأله ایران امروز این است که آیا می‌توان این پنجره را به افقی گشوده‌تر تبدیل کرد؟ آینده نه در دست یک فرد، بلکه در گرو تحول نگاه‌ها، روندها، ساختارها و کنش‌هاست. آینده را نمی‌توان کشف کرد، باید آن را ساخت. در این سو با پذیرش ضرورت گفت‌وگو و وفاق و التزام به فهم درست مسائل و ضرورت‌ها و راهبردها و راهکارهای منتهی به آنها، باید برای ایران به پزشکیان بی‌چشمداشت و بی‌دریغ کمک کرد. فرصت‌ها از دل فهم درست لحظه‌ها و حضور مؤثر در آنها برمی‌آیند. »

